

شیرین من، شیرین

عبدالجبار سروش

۲۰۲۰

ویرایش و انتخاب اشعار

حسن قریبی

کتابخانه ملی

- سرشناسه : شاه احمد، عبدالجبار، ۱۹۶۷-م.
عنوان و نام پدیدآور : شیرین من، شیرین، سروش عبدالجبار؛ ویراستار حسن قریبی
مشخصات نشر : تهران: خردگان، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری : ۲۳۹ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۷۵-۵-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
عنوان دیگر : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۹
رده بندی دیویی : ۸۱۶۲/۸
شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۸۵۰۲۴



شیرین من شیرین

عبدالجبار سروش

چاپ اول تهران، ۱۳۹۹

شمارگان ۵۰۰ نسخه

ویرایش و انتخاب اشعار حسن قریبی

چاپ کاج

صحافی نمونه

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۷۵-۵-۴

قیمت ۶۰۰۰۰ تومان

یادداشت ویراستار

پیش‌تر به مناسب‌هایی درباره شعر معاصر تاجیکستان یادداشت‌هایی نوشته بود، از جمله در سرسخن کتاب چراغ سرخ تنهایی از خانم گلرخسار، شاعر معاصر تاجیکستان، با عنوان پشت هر آئینه صد آئینه است، که در پژوهشگاه فرهنگ فارسی - تاجیکی (دوشنبه، ۱۳۹۷) تنظیم و منتشر شد. همچنین یادداشتی با عنوان مخاطب در شعر معاصر تاجیکستان (زنده‌باد زبان، آرون، ۱۳۹۸) و از این قبیل مطالب پراکنده.

چندی پیش استاد بزرگوار، دکتر صفر عبدالله، مجموعه شعر عبدالجبار سروش را برای انتشار در ایران به من پیشنهاد کرد. عبدالجبار سروش را سال‌هاست می‌شناسم. شاعری نازنین، متولد سال ۱۳۴۶ در روستای اسکادر استان سغد است. در دانشگاه آموزگاری خجند در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده است و فرهنگ اشعار کمال خجندی (پیوند، دوشنبه، ۱۳۷۴) و تصحیح دیوان کامل کمال خجندی (خراسان، خجند، ۱۳۹۶) از کارهای پژوهشی اوست.

تاکنون ده مجموعه شعر از او به چاپ رسیده است که فریاد سلسله خاموشی (خراسان، خجند، ۱۳۷۷)، صلیب سفید (نرگس، خجند، ۱۳۷۸)، مهر مهر (انتشارات ناشر، خجند، ۱۳۹۶)، شب‌نم نفس (ناشر، خجند، ۱۳۹۶) از آن جمله است. همه آثار به خط سیریلیک منتشر شده، به جز مجموعه شعر درخت، سپیده و آئینه (خراسان، خجند، ۱۳۹۶) که به خط فارسی است.

مجموعه شعر او را با نام «فریاد فرشته» خواندم و برگزیده‌ای از آن را با

نام «شیرین من شیرین» برای نشر انتخاب کردم و به خانم سهیلا یوسفی، مدیر محترم انتشار خردگان سپردم.

اگرچه معتقدم که مقدمه نقش بسیار مهمی در معرفی کتاب دارد اما ابتدا قصد نداشتم یادداشتی بر این مجموعه بنویسم؛ چرا که از یک سو، مثل خیلی‌ها، سماعت کرونا بر حوصله‌ام تأثیر گذاشته بود و از سوی دیگر، کلاً مایل نبودم و نیستم که به عنوان «مقدمه‌نویس» شناخته شوم.

اکنون به جبران محبت مدیر انتشارات خردگان و به رسم دوستی با عبدالجبار سروش و مهربانی‌هایش چند برداشت شخصی خود را از این مجموعه به عرض می‌رسانم.

زبان شعر این مجموعه شاخه‌ای از شعر معاصر تاجیکستان پس از استقلال است که از جریان شعر معاصر ایران غافل نیست. با این توضیح که عبدالجبار سروش، با آگاهی کامل از شعر معاصر ایران و آشنایی با آن، در قالب‌های سپید و نیمایی و سنتی سروده است و اگرچه شعر او با عناصر بومی (واژگانی و نحوی) همراه است؛ اما این به آن معنا نیست که شاعر، شعر محلی سروده و جهان فارسی‌زبانان را نادیده گرفته است.

بی‌تردید شاعر زرافشانی، ضمن حفظ هویت‌های زبان فارسی - تاجیکی، مخاطبان خود را از فارسی‌زبانان منطقه انتخاب کرده است. این انتخاب ممکن است برای برخی مخاطبان تاجیک به نوعی تقلید زبانی گرفته شود، اما شاعر می‌داند که زبان فارسی فراتر از مرزهای جغرافیای کنونی تاجیکستان است.

موضوع اشعار غالباً عاشقانه است. وقتی صحبت از شعر عاشقانه می‌شود یاد این جمله از اریک فروم در کتاب *زبان از یاد رفته* می‌افتم که می‌نویسد: «عصر جدید روشنگری، رؤیا را حتی از اساطیر نیز بی‌ارزش‌تر تلقی کرده و آن را لایق ندانسته است که مورد توجه انسان بالغ امروز قرار گیرد؛ انسانی که به کارهای بس مهم‌تر، مثل ساختن ماشین مشغول است،

